

صاحب امتیاز
و مدیر مسئول
دکتر اسمعیل
اردلان.

تفصیلی
نامه

کوششگان

بهیچ حزب
دسته یا جمعیتی
بستگی ندارد

سال اول - شماره ۶۶

شنبه ۲۲ بهمن ۱۳۲۴

تک شماره ۴ ریال

نهایندگان صالح مجلس در مقابل یغماگران جبهه واحدی تشکیل دهید

اواخر هفته گذشته تشکیل کابینه و معرفی آن، موضوع مورد بحث و ملاحظه مردم بود.

عده ای گمان میکردند روز پنجشنبه وزراء معرفی خواهند شد و برخی که مطلع تر بودند و مشکلات تشکیل کابینه تا حدی واضح و امری آن را در این هفته پیش بینی میکردند.

پیش از دو هفته بود جلسات هفتگی مجلس تشکیل نشده و نمایندگان باج کبیر در کابینه دولت بودند که برای معرفی مجلس آید تا در پشت تریبون موهکامی آغاز کرده، اشکال تراشها شروع شود، و باطلقهای طولانی و خسته کننده و بی سرو ته خود کامدل برگردد، تا شاید از این راه در مقابل مرافقت های نخست وزیر کار شکنی کرده و دولت را از کار اساسی خود بیازدارند و بنایانند که از دولت قوام هم کاری ساخته نیست.

خود داری نخست وزیر از معرفی وزرای خود آتش پیتابی و کلاراهلور ساخته آمده و نشسته بر عواصمت و جلسه کثیف روز پنجشنبه را از خود بیادگار گذاشته.

و برای بار دیگر مردم ثابت کردند که غطر ناگزین و سابل خانان برانداز ایران همانا وجود آنان است.

جلسه هفتی روز پنجشنبه المتضاح رکلا و اطنی تر نمود و آتش پش و کینه ملت را نسبت با آنان فروخته تر کرد.

خود شربنی های سید محمد مطیاطی کتو شوندهای و کلای توده، خروج و غول و کلای دست راست و عصارفات نیم و سی آنان، و افتاد دیگر سبیش برای مجلس نگذاشته، کار را بجای کتابچه سکه نایب رئیس مجلس توانست نظم جلسه را حفظ نکنند ناچار از جای برخاست و جلسه تعطیل گردید. ماده واحده پیشنهادی آقای ناصر قلی

اردلان مبنی بر تمدید دوره چهاردهم سوء اثر بخشید و ما متاسفیم که این پیشنهاد را ایشان مجلس دادند زیرا بسیار استیم عکس العمل احساسات عمومی متوجه ایشان بشود.

آقای ناصر قلی اردلان نماینده کردستان سکه به شهادت کلیه مجلسیان و شهادت اقداماتی که در این دوره وکالت خود نموده هیچگاه از راه امانت و حقیقت قسمی را ترک نکرده و هیچگاه جز روی احساسات پاک و روی علاقه بوطن سفتی نگفته نیبایست در چنین روزی چنین پیشنهادی بنماید.

ما میتوانیم با اطمینان بگوئیم که آقای ناصر قلی اردلان « برای وکالت کبسه ای دوخته و نه در طی این دوره وکالت خود کوچکترین سوء استفاده نموده و نه حتی یک دقیقه از مجلس و از وظایفی که قانونا بعهده داشته تخطی کرده ولی متاسفانه باید گفت که نظایرش در مجلس بسیار کم است.

باز میتوانیم با اطمینان بگوئیم که پیشنهاد ایشان روی اصولی بوده ولی چه باید کرد در مملکتی که کلیه اصول باطل میشود کلیه اصول مورد سوء استفاده عناصر پلید واقع میگردد.

متاسفیم از اینکه باید گفت که اکثریت نمایندگان مجلس خلاص، بدون عوکل، شاید و حقه باز و نفع پرستانه و این عده کثیف وکالت را فقط برای پر کردن جیب خود و سوء استفاده از مقام ساختگی بکار میرسد و خواه و ناخواه تمدید دوره چهاردهم بتلع آنان بوده و مدتی خواهند توانست با زبر کرده این ملت بیچاره سواری کنند.

از آنجاییکه ملت ایران از این دوره چهاردهم جز رنج و مشقت و جز بد نامی چیزی نماند دیگر حاضر نیست حاکمیت این افراد لجام گسیخته را پذیرفته و اجازه

دهد صرفاً برای و خودمختاری آنان بیش از آن حد نصب شده دوام یابد اگر اکثریت نمایندگان مجلس را مثال آقایان دکتر مصدق و ناصر قلی اردلان تشکیل میدادند قطعاً پیشنهاد تمدید دوره چهاردهم را مردم با نفوس باز میپذیرفتند.

زیرا اینان مورد اعتماد مردم هستند و برای اظهارات آنان احترامی قائلانند ولی این همه دلیل نمیشود اگر روزی یکی از آقایان در یکی از اظهارات خود اشتباهی نمود که راهی برای سوء استفاده و کلای شاید باز کرد و از آن راه فشاری اضافی بر مردم وارد آمد احترامی بسطی نیابد.

احترامی ملت ایران امروز بر پیشنهاد تمدید مجلس چهاردهم است زیرا مردم دیگر تاب تحمل این اکثریت فاسد را ندارند و اگر حرکات شدید و توهین آمیزی به پیشنهاد دهند شده نظر رعایت احترام شخصیت آقای اردلان بود و الا اگر چنین پیشنهادی از طرف یکی از آن وکلای نشان دار عرض میشد قطعاً بداید یا جان سالم بدر نمی برد یا اقل با سرو دست شکسته به منزل مراجعت می نمود.

لحن جرابه در این دو سه روز به خوبی نشان میدهد که اکثر عوامی با پیشنهاد تمدید دوره چهاردهم بیچوجه موافق نیست و آن را بزرگترین ضربت بر بیکر نانوان ملت میداند از این جهت ما نیز لازم میدانیم این موضوع را با قسای اردلان تذکر داده و تقاضا نمائیم از این پیشنهاد و از پشتیبانی از آن صرف نظر نموده و سوابق یک دوره وکالت خود را بی جهت لکه دار نمایانند و بجای این پیشنهاد سعی نمایند پیشنهاد مفیدتری تهیه کنند ولو اینکه اطمینان داشته باشند که آن پیشنهاد مورد قبول اکثریت مجلسیان واقع نگردد.

امروز وکلای شاید که کلاه خود را پس مرم هم بینند سعی دارند نظریاتشان بلباس دیگری و از طریق وکلای صالح عرضه شود گول ایشان را نباید خورد بلکه این چند روز که از عمر مجلس باقی مانده باید نمایندگان مبین برست با علاقه سرشاری مردم جمع شده و با تبادل نظر و مسیبت بی نظیری بهترین راه را یافت و در رفتاری آن مجدداً کوشش نمایند و بجای اینکه هر یک انفرادی پیشنهادی بدهند اول کلیه این پیشنهادات را بین خود ملاحظه نموده و بهترین آنرا برای اجرا انتخاب نمایند.

در ضمن این اقدام لازم است از اعمال لغوهای بی جای هرگز بران بی جهت مجلس که خیال کار شکنی دولت را دارنده کاسته و اکنون که آقای نخست وزیر بیشرکت های سیاسی قابل تقدیری موفق شده اند ایشان را در انتخاب وزیران کمک (نه تعجیل) نمایند تا هر چه زودتر دولت بیرون مدلی زمام مملکت را در دست گیرد.

این است بطور خلاصه انتظارات فطری ملت ایران از اهالی نمایندگان صالح.

خبرهای کشور

دولت

با وجود اینکه اشخاصی برای شرکت در دولت آقای قوام اسم برده میشوند ولی بطور قطع نمیتوان گفت وزراء چه اشخاصی خواهند بود. و بطور یقین نیز معلوم نیست چه وقت وزراء بشاه و مجلس معرفی خواهند گردید.

تعالیم و کلاه برای تحصیل وزرای مورد علاقه خوب بسیار است و بفراری که میگورند با انتخاب وزیر جنگ نیز علاقه عظمی ارازا میشود.

از شمال

از آذربایجان غیر میسر که پنجهیز قوا مشغول شده اند و از امپار واصله از زمین منتشر شده در جرایم چین بر میآید که اوضاع دمکرات ها و غیره است و برای دفاع در مقابل ذوالفقاری مامتول جمع آوری قوا میباشد اعلامیه های از طرفین صادر شده اعلامیه دو کرات ها، ذوالفقاری ها را دزد و بی وطن خوانده و اعلامیه ذوالفقاری پس از ذکر خدمات خانوادگی ذوالفقاری ها، دموکرات ها را تشویق بنسلیم نموده و جایز مقرری برای تسلیم شدگان با اسلحه معین ساخته است.

در دوسه روز اخیر قریب یکصد و پنجاه نفر از مأمورین شهرهای آذربایجان بظهران وارد شده اند.

معاون سیاسی نخست وزیر

آقای مظفر فیروز مدیر روز نامه وحد امروز از طرف آقای نخست وزیر بسمت معاونت سیاسی نخست وزیر و مدیریت کل تبلیغات انتخاب شده اند.

امیدواریم ایشان بتوانند در این سمت جدید خدمات شایانی بکشور بنمایند.

مراجعت

آقای دکتر علی امینی که از طرف وزارت دارائی برای مطالعه در روابط بازرگانی بین هندوستان و ایران به هندوستان مسافرت کرده بودند بظهران وارد شده اند.

بازنشستگی

در مهلت گذشته ۳ نفر از باپوران و ۶ نفر از کارمندان اداره کل شهرهای بازنشسته گردیده اند.

وضع جاده ها

بر اثر بارندگیهای برف شدید اغلب راههای کشور مسدود شده و عبور و مرور قطع گردیده بهین جهت مدتی است پست اغلب شهرستان ها بپرکز واصل نشده است.

سیسهای تلگراف هم که دچار خرابی هائی شده بود دودوز است مخابرات را میدهد.

تنظیم موقوفات

روز سه شنبه گذشته آقای صدیقی رئیس اداره تربیت بدنی برای تقدیم گزارش ورزشی به حضور موقافه شریفان شده اعلیحضرت عباسی چون از وضع مالی اینجمن استفسار فرمودند و آنرا در پیشکش نماینده مبلغ پانصد هزار ریال با بجن اعطاء فرمودند.

اعزام افسران آذربایجان به

پادشاهای مختلف

چون افسران و کادرهای آذربایجان و تیپ های اردبیل و رضایه خدمت میکنند به تهران وارد شده بودند و میبایست محل خدمت آنها معین شود و باشاه افسران مراسم قرعه کشی بعمل آمده و افسران بر ترتیب قرعه بهائی که معین شده بود اعزام گردیدند.

اقتضات

آقای مهندس مرتضی آل احمد ریاست کارخانه تصفیه مس و آقای رسول کمالی ریاست دایره تربیات و اضافات و امور استخدامی کارمندان رسمی وزارت پیشه و هنر منصوب شده اند.

در اداره مالیاتهای مستقیم

آقای کردوزینا ریاست اداره بازرسی کل مالیاتهای مستقیم منصوب شده اند.

رئیس بهداری شهرهای

آقای دکتر سهراب برخوردار به ریاست اداره کل بهداری شهرهای منصوب شده اند.

در وقت همدال

در روز جشن دانشگاه دانشجویانی که در دانشکده های دانشگاه رتبه اول را حائز شده بودند بدریافت مدال اذیت اعلیحضرت عباسی نایل شده از جمله فارغ التحصیل ها آقای حمید اردلان - حقوق بودند که بدریافت مدال مفتخر گردیدند.

فماش شهرستانها

اداره تصفیه ناس برای توزیع فماش بین اهالی شهرستان هادستوری به اداره اقتصادی هر محل صادر نموده که موجودی فماش خود را زیر نظر فرماندار یا استاندار و روسای دارائی و دادگستری بنسبت جمعیت توزیع نمایند برای شهرستان هائی که اداره تصفیه در آنجا موجود داشت چنین تصمیم گرفته شده که در صورت محرز شدن اینکه این شهرستان مدتی است از گرفتن سهمیه محروم بوده است مقداری متناسب با جمعیت و طول مدت داده شود.

ازنهاوند

آقای خابلدردم آراء به ریاست فرهنگ و آقای اردلان ریاست گروه هنر زانداره مرئی وارد و مشغول کار شده اند.

ترجمه آقای منصور شهروز

مفاره دزدان

در این وقت بود که به سخن در آمده گدشت، واقعا خیلی عجب است. این دیوانگی ها حقیقه باور کردنی نیست. پترو در جواب او گفت: با این حال فرزندان دیهه میشوند که به پدر و مادر خود بی اعتنائی میکنند.

پتو گفت بلی اما رد کردن يك ارنه بزرگ، یا باره کردن يك کاغذ طوطی دیوانگی است. واقعا در جواب گفت: آقا

اطمینان دارید که این کارها دیوانگی است؟

ماتو پرسید بلیل آیا تصنیف تمام شده است؟

حیر اما نیدانم آیا همه آن شما خوش میآید؟

هر چه باشد شروع کن بلیل.

واقعا بعداً شروع به آواز نمود و در تصنیف خود که دو باره بدین طریق از اشخاصی که ذکر کرده بود سخن گفت این پدری که فرزند خود را به نزد خود دعوت میکند بنزله خدای بزرگ است که ندانم و او خود میخواند. این ارنه بزرگ

هانان زندگی مادی دنیا است که پسران خدا عطا میشود و آنها آزار میدهند و بدان وجهی نمی دانند. این پادشاه که نامه طوطی را باره کرده است حضرت مسیح است که بر روی صلیب جان داده است. شما که سخنان من گوش میدهید. دو کار خود

وقت کنید و سخنان مرا عمواره به خاطر داشته باشید

واقعا پس از ادای این کلمات ساکت شد. بی سکوت را در هم شکسته فنجانی برداشت و بطرف واقعا برتاب کرده گفت:

پس تو میخوانستی این تصنیف را بخوانی، بلیل ملعون.

واقعا بایک حرکت چالاکانه خود را در مقابل ضربت حفظ کرد. آری یکو متت ها را کرده کرده باحالی خشنامک بطرف پتو

روی آورد. اما واقعا او را متوقف کرده گفت: آری یکو او را به حال خود بگذار.

هراس تمام این صحنه را با کتیباوی بسیار تطبیق میکرد زیرا او انتظار نداشت نام خدا را در مفاره دزدان اذعان و اعراف

بشنود. ماتو که تا آن وقت ساکت نشسته بود دست هارا روی میز کوبیده گفت:

وقت دیر است. گر گهای کوه هر چه زود تر حرکت کنیم. راهزنان مثل هارا بدست گرفته متفرق شدند. چند نفر از آن ها از

غار خارج شده و بقیه به غار روی نهاده مثلها خاموش شد و دزدان در محل های خود خوابیدند. سکوت محض بر تمام غار -

حکمرانی یافت. در این وقت شخصی از چند پله در غار بالا رفته نزدیک مکان هراس خود را روی طرف های خشک انداخت. این شخص پس

از اینکه چند بار روی طرف ها غلطید آهی صحن از سینه بر آورد. هراس با خود گفت که این ناله هرگز از آن واقعا نیست بدون شک

آری یکو است که اینجا خوابیده. من هرگز مردانی اسرار آمیز مثل این دو برادر ندیده ام.

در همان حال که بفر دویار این دو برادر سرگرم بود خوابی حقیق معیوس جوان را در ربود.

فصل هفتم

« امید باطل »

هراس بکپاره بواسطه دیدن خواب های وحشتناک بیدار شده لحظه از جا پرید. اشعه روشنی از شکاف سنگ های غار بدون

آن راه یافته بود. این اشعه روشن نظر هراس را خیلی بخود متوجه کرد زیرا او از روشنائی و آزادی صحبت میکرد. هراس تنها بود

در دوسه قدمی او واقعا بر او نشسته ناز میخواند. آری یکو هنوز خوابیده بود از غار دوم هم هیچ صدائی شنیده نشده از اینجهت

هراس حدس میزد که دیگر راهزنان هم خوابیده اند. واقعا پس از اتمام دعا رو به هراس کرده گفت: آقا حضرت آقا خوب خوابیده اند؟ هراس بخوبی میدانست که در زبان ایتالیائی فقط وقتی در صحبت سوم شخصی را بکار میرسد که بخوانند خیلی احترام بگذارند. این ادب کوچک و نگاه محبت آمیزی که با کفتار واقعا توام بود یک

محبت و دوستی قلبی در هراس تولید کرد. آن وقت بر واقعا جواب داد: بهیچوجه راحت نبوده ام اصلا خیال میکنم که هرگز - بتوانم در این مکان کتف راحت بخوابم.

بنام آقای مهندس گودرزی تبریزی

دزیا در هفته پیش

کلماسو از قاشی سر رشته نداشت

پیر مردی خشکین و کینه جو نشه دبارا در برابر خود گسترده بود و بیله خود اما باجهله و شایب مرتب از اینطرف و صله بر می داشت و با چسب بآن طرف می چسباید و از این میورید بآن سمت و صله میکرد و عاقبت باشکر خدا که خر چنگ را برای صد سال از سر مردم دفع نموده یک اروپای بروما و تیگه و دنیای غرب ایبورد و در هم ریخته نظیر جهان آرزو (۱۹۱۹) بوجود آورد.

این پیر مرد خوش باور سیاستمدار آید آلیت کلماسو (پیر) مشهور فرانسه بود.

کلماسو نفست و زبیر فرانسه در جنگ بین الللی ۱۸-۱۹۱۴ برای رهایی پشیمان ملل ضیف از جنگال دول مستمره دار و بزرگ در بیست و چند سال پیش-ینه خود را سیر بلای قیصر نمود و با مناشی صعب برای یک ربع قرن تمام اهریمن جنگ را در آدم جان بخش صلح و آزادی پنهان و دفن نمود.

در روزهای اول که این فیلسوف- سیاستمدار با لوبه دژ و ولسن بینان جامه مل که بیشتر یک غیبه شب بازی سیاسی شبیه بود تاییک مرکز نقل سیاسی جهان هست کرده.

همه او را یک معمار بینظیر و بینظر برای بنیان جهان آزاد میدانستند اما نهی نگذشت که کلماسو خود سر و خشکین بازیچه بدون اراده سیاستمداران قدیم و کینه کار شد و طوری این پیر مرد که تا چندی پیش چه فضیلت می فروخت هر صک و آلت مذهبه که شده بود که شروع تقسیم اروپا با آن وضع کتب و نا بفردها نمود.

شرایط رنگین و رنگین و رسی که هینار «قاش اطریسی» آراسچاله و زبرها انداخت نتیجه ندانم کاری و فکر خام و لیخته این سیاستمدار لجوج که «هدف و آینه جز ذلیل کردن آلمان و دول مهاجم نداشت» میبود و

دبیم این قرار داد و شروط متکین با اینکه بصورت ظاهر برای مدتی به دول متاوب تحیل و مواد آن کاملاً قبول شد اما کمتر بصورت عمل درآمد و آن قدر آلمان و سایر دول متاوب از اجراه آن شانه خالی کردند که پس از بیست سال آشوب و صلح صلح لبرد نو و میددی را دامن زدند.

آیا جیمس برنز و مولوتف

و بون هر سه قشاش ماهری هستند؟

آینده آلبه تمام لمای حقیقت برای یک قضاوت بظرفاه خواهد بود.

مشکل روی مشکل - شورا امنیت چه میتواند بکنند؟! همه از یک جله که ۷ ساعت تمام طول کشید و یک جلسه سری دیگر که - مرکب از نمایندگان دول بزرگ میبود و مذاکرات خصوصی و یکساعه ستر بون و رفیق آ. یاوشینسکی که گاهنگامی - میبو میکن رئیس شورا امنیت هم در آن شرکت میکرد تصمیم گرفته شده که شورا امنیت باید هیچگونه تصمیمی در ارة بونان اتخاذ کند و پس از تنظیم صورت مجلس نطق نمایندگان در جلسات شورا ببقیه کارهای خود ادامه داد.

تضیه بونان به این ترتیب حل شد - ولی بهیچ وجه معلوم نیست سازش قطعی حاصل شده یا خیر و آیا این - مانور سیاسی دیباکه دار خواهد بود یا اینکه اختلافات بهین جا خاتمه پیدا میکند؟! ولی پس از آنچه جوش و خروش و بعد از آن سازش موقتی طرح نموده تضیه اندولزی از طرف رفیق ماوسی لسکی برای برشی محافل سیاسی که آشنای چندی از آن سازش موقتی طرح نموده ندارند بسیار تعجب آور بود.

بهر صورت موضوع دخالت بیروی انگلیسی در امور داخلی بریتانیا مطرح و رئیس هیئت نمایندگان اوکراین از آقای میکن رئیس شورا تقاضا نمود که کمییونی برای رسیدگی واقی با موضوع فوراً با سه روزی فرستاده شود ولی آقای بون طی نطق مشروح خود وجود این نیروها را در اندولزی برای یک صلح و آزادی جهان و رهایی آن سرزمین از خطر قاضیت های ژاپنی لازم و ضروری قلمداد نمود و صریحاً اظهار کرد که سر بازان مادست با صلحه دبیزند مگر هنگامی که افراد اندولزی بروی آنها صلحه میکشند و طبق آخرین اخبار آنگاه بون حتی با آخرین تناضای مانولی لسکی که در تن کمیون منصوصی برای رسیدگی با ینکار بود سر بهاء مخالفت کرده است.

طبق اظهار راد بون نطقی مذاکرات اغلب قای بون و ویشنسکی دوستانه با هم صحبت میکردند و میخندیدند. بهر حال شورا امنیت اگر این تضیه را هم حاست مالی کند و سر این شکاف را بطرز دنیا پسندانه درز بگیرد و بازی بکشد مسائل پیچیده و غامض مانند موضوع سوریه و لبنان و تضیه یوگسلاوی مواجه است.

یادی وطن - رنگه ریوانی

هل اسم وختی بیانی سیری کوهستان اکم
دقتی باغ و گلانی جنتی همدان اکم
می البم سالی وطن من هنده بونو معلوم
روح در گیاهی غوم له بونو گریلی قربان اکم
چار بیچار گرم لبو تو آء و نامم بی وطن
حقه بو من چونکه بو کرد ناله و افغان اکم
ام دلی من گریه نازالی که ما بوسی چیه
ام چیا بر درد و غم من چند اینیم ژان اکم
تالدهس وحشی و جهالت در کری قوم وولات
سجده بو تالی عالم و فلسفه و عرفان اکم
ملتی کرد رنگه ریوانی وها مشتاقه بون
من قتیله م هر دمیک بون آرزوی سوتان اکم
اشعار تون را آغای شرفی از سفر فرستاده اند.

فحطی سختی دنیا بخصوص اروپا تهدید میکند ذرة ذغل در فرانسه ساخت نمیشود. فرانسویان آزاد از گرسنگی مینالد آلمانهای مغلوب از صبح تا عصر برای دست آوردن چیره مخصوص در بد کالها میباشند آیا سزاوار است پس از آن همه مصیبت . حسادت . محرومیت . هنوز دنیای خسته و کوفته از جنگ برای نان و خواربار در هذاب و زحمت باشد؟! میگویند مجمع ملل متفق راجع بقضای خواربار در دنیا اعلامیه منتشر میکند و بکلیه کشورها توصیه خواهد کرد که بنظور جلوگیری از خطر تعطیل اصالی پیش از پیش برای توسعه محصول خواربار خود بکوشند . وزیر خواربار انگلیس خاطر نشان ساخته است که تعطیل مدت مدیدی در اروپا حکمفرما خواهد بود. دولت استرالیا اظهار داشته است که برای آنکه در حدود ۶۰ میلیون تن کدم با اروپا صادر گردد در استرالیا چیره بندی مقرر میشود. ترومن رئیس جمهور امریکا از کبه افراد امریکا تقاضا کرده که بیشتر بکوشند تا برای اروپای تعطیل زده خواربار و کدم بفرستند در هندوستان هم بیم تعطیل میبود و کدم در آنجا نیز به اندازه لازم وجود ندارد. در فرانسه مرتباً و زهران تشکیل جلسه داده و راجع بکمی آذوقه صحبت میکنند هر صورت تعطیل یکی از خطرات جعبی است که دنیا را با وضع سابقه تهدید میکند.

نظر کلی به رویدادهای جهان در آخرین روزهای هفته

لئون بلوم برای تشریح اوضاع حقیقی فرانسه به لندن و واشنگتن میروند. طرفان و سبیل بی نظیر در بسیاری از نقاط انگلیس مخصوصاً از خدمات فراوان وارد ساخته است. - مستر جیمس برنز وزیر امور خارجه امریکا اظهار میدارد که در ماه آئینده وی و سولوف و بون در پاریس ملاقات خواهند کرد و در خصوص مستمرات اینها گفته است که در سبتمبر گذشته موافقت حاصل شد که چهار مستمره سابق ایتالیا یعنی طرابلس و سیرنایک و اریتره و سومالی برای مدت ۱۰ سال تحت قیومیت بین الللی قرار گیرد و سپس کاملاً مستقل گردد و درباره امضاء عهدنامه های صلح با ژاپن و آلمان خاطر نشان کرد که بعضی اینکه تضیه کشورهای بالکان تمام شود در ۱۸ ماه آئینده عهدنامه های صلح با آلمان و ژاپون منقذ خواهد شد و راجع بیلد ارستان نیز گفت هنوز پیشرفت محسوسی در مذاکرات حاصل نشده ولی دوباره کوریل که شورویها با ستاند مذاکرات یا لنان آنرا حق واقی خود میدانند اظهار کرد امیدوارم حکایت مختلط شوروی و امریکا برای تشکیل یک دولت موقتی در کوریل شروع بکار نمایند.

ژنرال فرانکو طی نطقی اظهار نموده در صورتیکه دول متفق بخواهند ما را از جرگه سازمان ملل عالم بیرون کنند اسپانیا سرحدات خود را بروی آنها خواهد بست. ژوزف ژبرال رئیس دولت موقتی جمهوری اسپانیا برودگاه اری وارد شده. ژنرال پاماشینا فرمانده سابق نیروی ژاپن در فیلیپین و فاتح سنگاپور که از ترومن تقاضای طو نموده بود احتمال میروند اعدام شود - دادگاه موربرک پس از خاتمه رسیدگی بسئله اسیران جنگی در اردوگاههای آلمان و فعالیت نیرو های (اساس) تضیه اتهامات هس را رسیده می کند .

کوردوستان

«کوردوستان» نام

روزنامه «است» که اخیراً برپا کردی در مهاباد انتشار یافته و شماره ۲- ۳ و ۴ آن در این هفته با اداره روزنامه کوهستان واصل شده است.

چون در این اواخر دیگر اخباری از مهاباد برسد و شاید بسیاری از خوانندگان علاقه مند بوده باشند که کپوش از وضع این ناحیه مطلع شوند ما در این شماره از گوشه و کنار به شماره فوق الذکر «کوردوستان» مطالبی استخراج و ترجمه نمودیم در هفته های آینده نیز اگر شماره های بعدی آن بنا برسد مطالب دانستی آن را از نظر خوانندگان خواهیم گذرانید. روزنامه «کوردوستان» ناشر

و نثار حزب دمکرات کوردوستان بوده و تحت نظر هیئت تحریریه ای اداره شده و در هفته به شماره و هر شماره در چهار صفحه و بزبان کردی منتشر شود.

روزنامه «کوردوستان» در سر مقاله شماره ۳ مورخه ۲۴/۱۰/۲۴ خود تحت عنوان «برای چه کردیم»

گردد می نویسد: «کرد تنها ملتی است که رسوم و آداب باستانی و شعائر و عادات خاص ذاتی خود را از دست نداده و بیگانه انگار هیچ وجه توانسته اند دست تعدی پرزور آمران دراز کنند. فتنه چنگیز و حمله مغول و دو واقعه خاتمان سوز نناستنده کوچکترین تاثیر در روحیا اکسراد وارد آورده و این ملت کهنسال را زیر نفوذ خود قرار ندهند»

تاریخ ایران و عالم و تاریخ اسلام فدکاری این دلیران را بیاد دارد. واقعه گزافون و تان شمن اکثر لشکریانش به دست کردن کوهستان نشین اظهار من الشمس است. خلاصه میتوان گفت که در کلیه ادوار درخشان تاریخی ایران حفظ شوکت و عظمت ایران بردش مبارزان بی نظیر کرد بوده ولی حقیقتی را هم که نمیتوان کتمان نمود این است:

کرد بیچاره مسانده سایر برادران ایرانی در دوره سراسر ملت دیکتاتوری و تدر دوره مشفق ۱۱ دمکراسی از حقوق و مزایای بشری برخوردار نبوده و اغلب بوعنندگی و بردگی حکومتهای دیکتاتوری را بر گردن داشته و هیچگاه روزی عدالت و دمکراسی بر سر توده رنجبر که شامک اقتصادی ایران است سایه نیافتند و هیچگاه پنجه زور و قلدری از سر این گروه مردم برداشته نشد و دست و دستان آنها آن گذاشته نشده است. و اگر گاهی در اطراف و سرحدات این سلطنت اقداماتی از طرف این ملت نجیب بوقوع پیوسته که منجر بظهور و برتری طرفین شده هیچگاه از این اقدامات نظری منافی استقلال ایران نبوده بلکه وقتی دست با اقدامات زده اند که شرف و ناموس

از میان عرب

برای اطلاع وزارت پست و

تلگرافی

قبل از وقایع شهر یور ۳۲۰ کیلان بمرب دود دستگاه تلگراف و تلگراف داشت و مراجمات اشخاص ناشی سرعت اجتم میت. ولی متعده اوتپی امور جاری بن که قدمی در اصلاح برداشته در این ۴ سال تلگراف و تلگراف این نفع مرزی را برداشته بنوری که احوال اهالی بخارات نوری داشته باشند تا گزیرنه راه دور در از سریل زهاب یا قصره بن ۱۱ پیسوده و برای دریافت جواب يك تلگراف سه چهار شبانه روز در مهاباد میروسانند پس از صرف مبنی بتوان خرج و مبادی معاودت نمایند.

پداش رضائی کلهر سکوهستان - توجه وزارت پست و تلگراف را بوضوح حیاتی فوق جالب و انتظار داریم برای تامین آمایش مردم از این راه اقدام عاجلی مبذول دارند.

و غیر ملتستان در معارض امر امر دیکتاتوران قرار گرفته و در چنین حالی شهادت فطری آنان اجازه نمانده بگذارند حقوق ملتشان فدای مطامع و حرص و ولع چند نفر لشکری با کشوری ایران ناشناس واقع شود در این مواقع و در که احسانات ملتشان سر انگیخته شده و مخالفین و مخالفین حریفان را از خود دور کرده و از حقوق خود دفاع نموده اند این بوده آن چه را آن ها خونخواری و بیادول گیری کسود معرفی کرده اند.

و کلاء وزراء دولت عربی و طویل شاهنشاهی جای اینکه حاصل دستریج آنان را صرف آموزش و تربیت آنها کنند و از استناد ذاتی و هوش سرشار گرد استفاده نمایند و چرخ های صنعتی و کشاورزی سلطنت را بکار بیاندازند و بجای اینکه وحدت ملی و آرامش سیاسی سلطنت را تا مین نمایند آنانان وزراء و وکلای صلاحیت دارا حاصل عرق جبین و کدم بین ما را بشکل ماشین های لوکس و آپارتمان در آورده آزادی خواهان کرد را یکی پس از دیگری حبس و تبعید و آواره نموده زدیک بود ملت کرد را که از زیر فشار تمام و محور رضا حانی نالان بود بکنلی معور ناپسود سازند که شهر یور ۳۲۰ مرسیده لیبسی وزید و بساط ظنم و فقاوت را از هم آشفید و نتیجه این حبس و ترور و زجر و شکنجه بی حقوقی و کشت و کشتار بود که احسانات ملی کرد را مشتمل ساخته و اشکلا اعمال خنیمه رضا خان و اطرافیان او بود که ملت کرد را آزادی و خود مختاری بخشید هیچ تو و قدرتی نمیتواند در دیای دمکراسی فعلی دیگر ما را زیر بوغ اسارت و بندگی قرار دهد زیرا حق را که امروز بدست آورده ایم روح منشور انقلابی و مساعدات ملل متفق است.»

اخبار مهاباد

افتتاح اداره روزنامه «کوردوستان»

روز ۲۰ اردیبهشت ۱۳۰۲ ساعت ۲۴-۲۵ مداز ظهر ساعت افتتاح اداره روزنامه کوردوستان و انتشار اولین شماره آن جشنی گرفته شد که در آن از علماء و اعضای حزب دمکرات و عده ای از محترمین شهر و اطراف حضور بهم رسانیده بودند.

پس از ایراد تعلق انشاییه از طرف آقای حاج امام شیخ آقای سید محمدرضا مدون حزب دمکرات صحنه را به عمارت آقای قدوم مدرس و ابریاست بنگاه چاپخانه و آقای علی حسروی و به مدیریت داخلی آن و آقای سید محمد حبیب و به مدیریت سر دبیری روزنامه «کوردوستان» معرفی نمودند.

پس از طرف چند نفر از حضار تعلق هائی ایراد شد و پس از باز دید قسمت های مختلفه چاپخانه در ساعت ۷ بمداز ظهر جشن پایان پذیرفت.

پذیرفتن هر ام حزب دمکرات

آقای شیخ سید رحیم شمس الدینی و آقایان ابراهیم آقا - رشید آقا - حسین آقا - و سلیمان آقا اعیان عضویت حزب دمکرات را پذیرفته اند.

کفک بیجا پنخانه

آقای محمد حسین خان امینی دو هزار روبال به چاپخانه کوردوستان کفک نموده است.

منع حمل اسلحه

در مهاباد بشرح ذیل مردم ابلاغ شده است: «حمل اسلحه در داخل شهر غیر برای اشخاصی که اجازه دارند اکیداً ممنوع است. هر کسی در داخل شهر تیراندازی نماید شدیداً تعقیب و مجازات خواهد شد»

آیا راست است؟

که در حسابداری و اندامی کل کشور علاوه بر اختلاس هائی که چندین پیش کشف شده هفت فقره چک دیگر به مبلغ هشتاد و چهار هزار تومان باامضای محمد حسین اخوی و بور سید رئیس و معاون اداره نامبرده اختلاس شده

آیا اگر این اختلاس هم صحت دارد اولیای مسئول اقدامی برای جلوگیری از این دزدیهای کلان نموده و یا خواهند نمود؟

مالکین بادقت بخوانند

کنسرسیوم فیطاک

شرکت با مسئولیت محدود

کنسرسیوم فیطاک احدات قنوت جدید ولاری و اصلاح قنوت فعلی را با اصول فنی جدید و تمهید میزان آب حاصله و تعیین مدت انجام کار با مبلغ ارزان تر از قیمت های متداوله به قید تضمین مالی از سرمایه کنسرسیوم انجام میدهد

همچنین کنسرسیوم میتواند قنوت مالکین را برای مدت معین بطرز یسه در مقابل مبلغ جزئی سالیانه در برابر کلیه اتفاقات غیر متوقعه و غیره با تضمین مالی از سرمایه شرکت نگاهداری و صدمت نماید نامه کوهستان استفاده از این تسهیلات را که کنسرسیوم فیطاک برای صاحبان قنوت قائل شده بسوم مالکین کوردوستان توجیه نموده و مخصوصاً سفارش مینماید هرگونه اطلاعی را که مالکین لازم دارند بوسیله اداره روزنامه بخوانند در اسرع وقت اطلاعات لازمه در دسترس آنان گذارده خواهد شد.

حرف قنوت، مسود نگه داشتن آن از شرایط اولیه عمران و آبادی ملک است مالکین از این موقعیت استفاده فرمایند.

بزم آتای آیت الله مرده خ کردستانی

کرد و کردستان

-۴۵-

(سنه اردلان)

خسرو خان والی از فرار سرداران متعبر شده هزار سوار زبده و رشید که در تحت ریاست سه نفر اسپران او بوده اند مشهورانه بر سیاه زهی حمله ور شده در اولین تپ میدان را از زنده تپ واز کشته بر میسازد خود جعفر خان که مرده تومنه و قوی هیکل بوده تادر بر فرار نبوده در سنگر توپخانه را محاصره کرده کشیک میکشند سایر ایبات و اثاث جعفر خان که متناسب اساس سلطنت میباشد بود باغنایم و اغترمه فراوان نصب جیسیت اردلان میشود. در این جنگ ۱۳۰۰ نفر از زنده و الواز و سایر سیاهیان جعفر خان کشته ۸۰۰ نفر اسیر میشوند اودوی اردلان و خسه و گروس هم ۳۴۵ نفر کشته و زخمی داشته اند.

بالاخره ساعت ۵ از شب گذشته جعفر خان جواهر سلطنتی خود را با یک جلد کلام الله نزد خسرو خان پانجاه میفرستد که راه را برای او بازگشاید و عرض او نشود مرجایل دارد برود.

خسرو خان به رعایت حرف ایلیت به رئیس توپخانه جعفر خان مینویسد که جعفر خان را با سه تن از یستکانش مرخص کرده خود با توپخانه به اودو تسلیم خوید.

جعفر خان بجزد فرات دستخط خسرو خان در آن دل شب با سه نفر از بستگا شره بهار اسپهان میشود توپخانه تسلیم اودوی اردلان میگردد. خسرو خان پس از خانه کار جعفر خان بشهیر ملایر و ریزگرد و نویسران و کرازو فرغان و گپایگان میردازد. در ظرف چند روز کلیه آن ولایت را بجز متصرف دشمن وارد گپایگان میشود.

دو سه روزی برای رفع خستگی اودو در آنجا آرام گرفته که بههار اسپهان شود شب چهارم میرزا احمد وزیر در مجلس اسی با حضور سران سیاه و امراء اردلان به خسرو خان میگوید که امروزه دیگر در نلسرو ایران ماضی برای دومی سلطنت باقی نمانده آقا محمد خان قاجار هم اقتدار آن را ندارد که در مقابل اقتدارات امروزه شما بتواند عرض اهدام کند بهتر نیست سکه یقین سلطنت را بر افراشته و سکه و خطبه را بنام خود زینت بدهید جعفر بیگ ترخان مجلس بوده در جواب وزیر میگوید: هوا و هوس پایان ندارد هر کس خود را تسلیم هوا و هوس نماید هرگز آسایش نخواهد دید لیا هم بی آسایش یک پره کانهی اردد و ظنهم بظنور کردستان از سلطنت ایران

چند نام کردی پسر و دختر

پسر	دختر
بارام - سیوه	نازناز - نازدار
سورگه و تو - سوربوز	شاناز - نورهسته
پیروت - دلاور	نگار - پرشک
پلک - هارو	بهی - خندان
ناردار - زورمه ند	شادن - روه خشان
دلیر - پاله وان	درخشان - به خشان
شیرشکار - سوربلند	خهراوان - به بیان
آگاه - دورنده	مزکن - فروزان
کوشنده - برسه	ژبان - شاپور
وشیار - بالدار	سوزه - چلوره

مراجعت مینماید و شرح قضایا را بصورت هابونی اطلاع میدهد آقامحمد خان فرمان مهر و عطوفت امیری مینی برتجید و تعیین و قدرانی صادر و برای خسرو خان روانه میدارد و در ضمن ملاقات خسرو خان را در همدان تماشا مینماید خسرو خان برای رفتن خود بهماذیر موجه متضرر شده لطفلی خان پسر سبحان و بردی خان اردلان را که پسر هوی خسرو خان بوده با تحف و هدایای شایان روانه حضور آقا محمد خان مینماید مآذیر خسرو خشان پذیرفته بظهران مراجعت مینماید مدت در سال لطفلی خان در بار شاهی مورد عواطف و توجهات صیانه بوده پس از دوسال با علمت و امتیاز شایان هودت میدهد و مجددا تقاضای ملاقات خود خسرو خان را می نماید.

خسرو خان باضاد سوابق که در خدمت محمد حسن خنل و جهان قاضی و خدمات صیدانه برجسته هم که به خود آقامحمد خان نوده در شیمان ۱۲۰۴ احمد خان پسر مصطفی خان و میرزا احمد وزیر را لویا خود میبرد در یک فرسخی تهران تمام وزیران و اشراف و خاصان دولت باستقبال خسرو خان می آیند و با اهواز و اجلال هرچه تماشا وارد تهران میشود و بحضور هابونی شریاب میگردد. و فوق تصور مورد عواطف و الطاف ملوکانه واقع میشود و مدت شش ماه روز بروز بر احترامات و توفیقات او افزوده تادو یک مجلس باده پدائی بامر ملوکانه ساقی بزم دوادر گیلان خسرو خان ریخت مستی او میل به چگون میشود.

نیدام چه دو پیمانه کرده یک پیمانه اش دیوانه کرده خیر چون خسرو خان بکردستان رسیده از هر طرف هشایر و طوایف شروع به سرکشی و طغیان مینمایند و از جمله طایفه مکری و بلباس هم سراز ربه اطاعت احمد خان بیرون کشیده بنای ناخت و تاز میگذازند احمد خان با هزار سوار بجزم سرکویی آنها حرکت مکرر در محل سارال و هوباتو با آنها بر پیغورد. نایره چنگ در گید شده آنها را از کوه بهنگه سرازیر مینماید و با تلفات زیاد آنها را شکست میدهد. در تعاقب فراوانی که احمد خان سرگرم مکرر و فر و دستورات تدبیر بوده الاهوردیه خان پسر نظر هلیهان که نوه سبحانوردیه خان بوده گفتنا از کبک گاه تیر تفنگی بقتل احمد خان میرساند و فرورا پا ز رزمگاه دنیا آرا مگناه عقبی میکند ارد.

پس از کشته شدن احمد خان محمد رشید بیگ و کیل بانفان امیر اعلان خان پسر رضاقلی خان چنگ را خانه داده تا نواحی سفرو سیاه کوه به تعاقب آنها عبور نوده در هنگام تعاقب میرزا احمد خان پسر میرزا همدان وزیر دادمردی و مرداکی میدهد. پس از خانه چنگ نش احمد خان را برداشته باغنایم فراوان به سنه در مراجعت مینماید. و شرح احوال را بپدرمار هابونی عرض میدارد فوراً از منر خلافت فرمان حکومت کردستان با اسم لطفلی خان پسر سبحانوردیه خان صادر و روانه میشود و خسرو خشان دوسنه ۱۲۰۶ از دنیا در میگردد.

بلکه از شاهنشاهی جهان غربی خوشتر و بهتر است این خیالات را در همین جا بکنه اورد و بشکر برگشتن باشید .
این سخن در خاطر خسرو خان اثر خود را بخشید. فردای آن شب خسرو خان تمامی اسیران زنده و گرتانوان ساپورولایات را با جواهر آلات سلطنتی و توپخانه و زبورک خانه و غیره همه را با هر چه چاکرانه برای آقامحمد خان قاجار روانه میدارد ولایات تسخیر شده را هم تقدیم مینماید و خود رهسپار کردستان میشود. آقا محمد خان بعضی ورود لایحه خسرو خان و ملاظه هریچه و مشامده هدایا و زنده شکست دشمنی مثل چلر خان و پیداکردن چاکری مانند خسرو خان در پوست خود نگذارد و در واقع این پیش آهده را طلبه اقبال و نواشه کهرانی خود تلقی میکند فوراً فرستاده خسرو خان را با اهراز و احترام هر چه تماشا با فرمان مشر بر تعیین و تهنیت فتوحات و تقویض حکومت سنگر و کلیبائی اعاده و اسبغامه خود را با رغبت مرصع و خنجر دست الیاس و یکدست جامه ملوکانه به خدمت و اقتدار خسرو خان روانه میدارد. پس از این دو رمضان ۱۲۰۶ هجری اسمیل خان زنده طلوع نوده حمله بکرماتشاه برده حاجی علی خنل حاکم آنجا را که دست نشاند خود خسرو خان بوده محاصره میکند حاجی علی خان مراتب را به محمد خان عرضه داشته از اینطرف هم خسرو خان را بکدک خود میطلبد خسرو خان منتظر دستور آقا محمد خان شده فوراً با هزار سوار بامداد حاجی علی خان می شناید به نزدیکی کرماتشاه که میرسد اسمیل خان خبر آمدن او را شنیده بکوه بیستون فرار میکند پس از ورود خسرو خان بکرماتشاه جواب ملوکانه برای حاجی علی خان خطاب بفسرو خان میرسد که بکدک حاجی علی خان رفته فر اسمیل خن را از آن نواحی کوتاه کند.

خود آقامحمد خان هم پشت سر این فرمان با لشکر ابوهی و رهسپار میشود خسرو خان بساردوی اردلان و جمیعت کرماتشاه به تعاقب اسمیل خان منزل بنزل می شناید تادر سر بنده سیلاخور باو میرسد در آنجا چنگ سفتری درگیر شده اسمیل خان هکست میهورد و غنایم فراوانی صیب اودوی خسرو خان میشود و از همان جا بنام آقا محمد خان قاجار میرزا فتح الله میرزا عبدالله وزیر را ب حکومت توپسران منصوب نوده

پلم آقای سلیمان بولس
لیسانس حقوق

کرمانشاه متروک

- ۱۶ -

شهرستان شاه آباد غرب

- ۲ -

شهرستان شاه آباد غرب که در مقرب ایران واقع شده مانند سایر شهرستانهای استان پنجم از حقه حاصلخیزی برخوردار است و از حیث نباتات هم بی اندازه قویست و غلغل آن نیز اثرات طبیعی دریای مغرب (مدیترانه) است که هر چند در فلات ایران ضعیف است ولی باز هم مؤثر میباشد.

در این شهرستان جایگاه آب باشد خاک دره های آن خیلی مرطوب و نباتات آن نیز زیاد دارد و اراضی آن درختان و مستعد همه گونه زراعت است و محصولات همه آن عبارتست از گندم - جو - پنبه - چغندر - توتون - ماش - عدس - نخود - لوبیا - برنج و ذرت است و بهترین شرایط را برای تولید این گونه زراعت ها دارا می باشد.

اکثر جلگه های وسیع که مساحت این شهرستان را تشکیل میدهد بواسطه نداشتن وسایل آبیاری کافی از حیزرانتفاع افتاده و ساکنین آنجا بواسطه عدم قدرت مالی نمیتوانند آنجا را که شایسته است از این اراضی فلاحی بهره برداری نمایند و متأسفانه دولت هم چندان توانائی آنرا ندارد و برای عمران و آبادی این شهرستان قدمهای سریعی بردارد و سیاست اقتصادی خود را که عبارت از بالا بردن سطح زندگی است بر حمله عمل گذارد و حتی شنیده میشود سدی هم که بر روی رودخانه برف آباد شاه آباد کشیده شده بود رو بخرابی است و اداره املاک هم توجیبی باین قسمت ندارد و بواسطه عدم آشنائی مردم و راهشانیهای سودمند دولت از صنایع تولیدی که عبارت از زمین و آدم و سرمایه است بهره برداری کامل نمیشود و مردمان آنجا در کمال فقر و فاقه زندگی مینمایند و از طرف دیگر مالکین و ساکنین این شهرستان نیز تدریجاً فلاحت ندارند و از داشتن برنامه فلاحی هم معرومند و نقشه کار خود را هم پیشبینی نمیکند و همین جهت سود قابل توجهی از دستر ج خود عایدشان نمیشود.

این شهرستان که از شهرستانهای فلاحی ایران است و از این راه باید ستايع و ت کثرت و کرمک تابانی نماید متأسفانه مالک و رعیت آن از کشاورزی توجیب نبرند و تاکنون هم مالکین همه آن قدمی برای لیل پیشرفت این مقصود برداشته اند و حتی برای دعوت شخصی خردشان هم سرمایه کافی مصرف نینمایند و مسوا هاسته بدون صرف سرمایه عایدی هنگفتی بردارند و هفتلنه از اینکه تا سرمایه زیاد بکار نبرند

نیتوانند سود فراوان بردارند. پس میتوان گفت مالکین این سامان بخواه بخرگوشی فرورفته اند و بخواه تاکنون حاضر نشده اند و روش نوینی در طرز فلاحت کهنه این شهرستان ایجاد نمایند تا بیشتر سود خود و رعایایشان تمام گردد.

آب و هوای شاه آباد غرب ناسازگار است و چنان که در مقاله پیش مذکور دیدیم مالمالار ناخیز است و بهین جهت شایسته است که اولیای محترم دولت هر چه زودتر اقدام اساسی برای تامین بهداشت این شهرستان بعمل آورده و بالا اقل بیمارستان متروک آنجا را که در شرف ویرانی است با طرز آبرومندی ترمیم و مجدداً دایر نمود و جمع کثیری را از ورطه هلاکت نجات دهد.

در شاه آباد غرب سابقاً هیچگونه تاسیساتی وجود نداشته فقط در زمان شاه سابق تاسیسات تلک و ضعیف شاه تاسیسات مهم و قابل توجهی از قبیل بیمارستان و دبیرستان و دارالمعموره و باغ های توت و کشاورزی و غیره و غیره بوجود آمد و ساختمانهای عالی بنا گردید ولی مع الاسف برای بوجود آوردن این تاسیسات و ساختمانهای باشکوه مال سابق جور و ستم بسی پابان بر مردمان فقیر و ناتوان آنجا روا داشتند و بقدری ساکنین این شهر در بدبختی و فلاکت زیست میکردند که حتی بر آن تصور نبوده و شاید در اثر همین ظلم و تعدی و اجحاف باشد که اکنون اکثر این ساختمانهای زیبا و با عظمت بدون ذره استفاده دو بخرابی و ویرانی است و کاملاً معدوم این شهر معروف خاقلانی شده است و مایار که دادیم این وقت ستم بر ما بر قصر ستمکاران تا خود چه رسد غلغلان در دو کیلومتری شاه آباد غرب کارخانه قند سازی تاسیس گردیده و از این حیث مساعدت شایانی بآبادی و عمران این شهر شده و باعث توسعه زراعت چغندر گردیده است.

ولی متأسفانه به علت عدم مراقبت کارکنان کارخانه قند تفاله چغندر را عوض اینکه بسوزانند و سوخته آن را برای مصرف کود در اختیار زارعین بگذازند در رودخانه مجاور کارخانه میریزند و این عمل باعث دوزخ میشود. یکی اینکه موجب اتلاف ماهیهای رودخانه است و در لای هفتت هم در آب تولید میکند.

بدیهی است که این عمل وسیله بروز امراض مختلفه میگردد. شایسته است از

يك فزل كردى

~~~~~

چهارم ایرو زهری دوری گینای شیرینم نهات  
زخمی کونهم هاندیش و مهله می برینم نهات  
غم سوری لی داوم یارم قات سوریکی لی نه نام  
صبر و هوشم رویه و اولور یگری دینم نهات  
دولده سوتی چین نه چین آده شکیته سوریکه و ک فانه ر  
خاوانی روی آگرینو زولفی چین چین نهات  
من غمهم خوار دو و غه میشم خونی جگر می خوار دو و  
بوی نه گریام چین نه چین نفر میسکی خوبینم نهات  
چاو وه کوه وری به هاران خون دبارینی له سر  
لی که نینی غونجه لیوی سه وزه پهر زینم نهات  
که وتمه نه جیگی نه ز عروام له حالی غه رغه را  
کوردی بیگه س خوبله هیچ لایه دنگی شینم نهات  
این نزل را آقای سید عبدالاحد بابا شاهی از سنج فرستاده اند

آهر برف ایجا کردن از اشخاص کوس  
رسوائی آثار ا کوی دنت .

### تذکر

مطالیکه راجع آقای صادقی در شماره ۴۱  
چاپ شده و از روی اطلاعات واصله نباید میسنتج  
بیوده سوء تفاهم نشود.

### یادآوری

چون سال اول روزنامه کوهستان غرب پابان است و متأسفانه  
تابحال همه ای از مشترکین وجه اشتراک را نپرداخته اند طبعاً اتفاقاً  
میشود در ارسال وجه اشتراک تسریع فرمایند زیرا از اول سال دوم  
قطر برای کسانی روزنامه فرستاده خواهد شد که وجه اشتراک سال  
اول را پرداخته باشند.

مشترکین سنج و اطراف آن میتوانند به آقای عباس آزاد  
پور نمایند نامه کوهستان -

مشترکین سقز به آقای کلامی و مشترکین مهاباد به آقای  
صدق حدادی مراجعه فرمایند مشترکین سلدوز - بوکلز - اشترویه  
نیز میتوانند وجه اشتراک خود را به آقای صدیق حدادی در مهاباد  
تحویل نمایند -

طرف مقامات مسئول در این باره اقدامات مقتضی بعمل آید تا این  
که باشاعه امرای خطرناک کرمک نشده باشد و همچنین چون اکثر  
زاعین از لحاظ حمل و نقل چغندر در موقع معین شکایت دارند لازم  
است وزارت پسته و هنر در این باره هم برای رفاه حال کشاورزان  
از اقدامات تسریع کوتاهی نشود و موجبات دلسوری زارعین را بیشتر  
از این فراهم نمایند.

ذرا این اشخاص مولد ثروت مسکن است از نمائیت خود در  
زراعت چغندر دست کشیده و در سالهای آینده گرد زراعت چغندر  
نگردد و از این حیث هم در سنوات آتی موجب فلج شدن کل  
کارخانه گردد.



ترجمه چیز تألیف ادیبه فرانسوی اوسی بول مارگریت  
و دکترک. ا. ب.

**پروسی در شعر و ادبیات کردی**

- ۲ -

اینکه ترجمه بعضی از اشعار علی ترموکی شاعر حماسه  
سرای قرن دهم

**پلک کلهه**

دبروز هنگام سپیده رسد -  
آمد به باغچه من برای تیرج -  
گفتم ای قهرمان پروزی های باستانی ما -  
بریز روی من از آن آب مقدس -  
که از سرچشمه های ابدیت خارج میشود -  
زیرا من به خواهم زنده و جاویدان باشم -  
حتی پس از آنکه بادخزان روی قبر من بوزد -

\*\*\*

روستم با حال بسم بین نگاه کرد -  
خیال کردم او بین میخندد -  
و با صدای مهیب گفت ای شاعر -  
تو دارای پلک تو بهت گرا بیا مخصوصاً جنبه الهامی هستی -  
تنها پلک کله ترا در خاطر مردم جاویدان میکند -  
عفتی براتب طولانی تر از پروزی در جنگ -

\*\*\*

**ترجمه قصیده دیگر**

**وطن من**

وله قرون افسار بسی طولانی است  
و برای زده گانی ملل نهایی موجود نیست  
در لذت زیبای تو ای ملک من -  
آثار عجب را مشاهده میکنند -  
هر وقت در آسای دل از آستان روشن تو با نامل می نگرم -  
پادشاهان، چاه سدها، و چند کسان غیر آنها را در آنها  
مشاهده و در تک بینام

\*\*\*

عجب طولانی بود و اقل خاکسری رنگ -  
چقدر همین و مطلوب بود بیداری صبح -  
دیدم درنی مثل اینکه از نجات و آهنگ های آن مروارید  
میرفت

مرواریدهای براتب درخشان تر و با کتر -  
از آنها لیکه دو ته دریا هستند

**لام کرد تو هیچگاه فنا پذیر نیستی  
پلک نطمه دیگر:**

**گردن بندی قوت**

از کلمات کردی که مانده بانوت هستند ای پری شان -  
پلک کردن بند برای تو میسازد -  
هناطور سکه مستی شراب از بین می رود  
دوره جوانی تو نیز سیری خواهد شد  
هنگام پیری سده همه کس ترا ترک میکند  
این کردن بند یادگار حلق من شو خواهد بود -

\*\*\*

بددختر تو آن گردن بند را آرایش خود قرار میدهد  
و بهار تازه طراوت گنجا را در آن منعکس میکند  
پس از او دختر کوچکترش  
آزرا زینب بیکر خود میسازد -  
کردن بند اشعار من که اسم ترا روی آن نقش میکند  
ترا در خاطر مردم جاویدان میماند -

\*\*\*

هنگامیکه انسان بچو عشق چیز دیگر فکر نمیکند -

**نامه ها و تلگرافهای وارده**

**از سنندج**

کارگرفینی وزارت دارائی ... و نوشت  
نامه محبوب کوهستان ( امید شما ) مدتی است با  
یکمشت هاله بدون سرمایه که محل معاش قرار دهیم  
بنام تقلیل بودجه بیکار مجدد ضمن شماره ۷۱۳۲ و  
۷۲۰۹ و ۷۲۵۲ پیشنهاد استقبالیان شده تاکنون  
نتیجه دست نیامده از بنر و آیه ما بهمنج زندگی داشته  
مصرف و میوه هایه منگرنه نموده ام - به حال و بریشانی  
آزور و اندر نمود مراتب وسیله معاملات عالی عرض  
که شاید بنده توهرستی که خود را افراد این آب و  
خاک میدادیم اقسامی بوجب امید واری ما باشد  
مصول و بیش از این در گرداب تنگدستی و فلاکت  
خو طور باشم  
ماشاءالله روشنائی - معدن تپانان - کریم امید  
شعاع .

**از سنندج**

رو نوشت کوهستان، آقای بهمن حبیبی رئیس  
جدید فرهنگ از بدو ورود تا کنون با نهایت صداقت و  
یا کدمانی و جدیت دست باصلاح و پیشرفت امور اداری  
و آموزشی فرهنگ کردستان اقدامات موثر معمول ،

**تلگراف اهنتان**

~~~~~

از خانواده های معظم کردستانی
و آقایان معززی که در موقع بسیاری
نسبت به مرحوم باویم ملامت ننوده و در
هنگام فوتش علاوه بر تشییع جنازه اظهار
هدردی فرموده بسیار متشکریم - بویژه
حضرت اجنئ تیمسار سر لشکر جهانبانی
را سپاسگذار جناب پاسپار آصف و دکتر
اسمعیل اردلان را مرهون هستم

محمد گانی سانالی

گاهی عشق برای شخص تاغ و سنگین خواهد شد -
مرگ همیشه و خشتناک نظر می آید -
مهمتر از گمی بردن فکر میکنیم
دوریز خاکهایی که جریان جویبارها را نشان میدهد
سوانح افکار خود را پیشگاه خداوندی عرضه میدارم -
پلک هفت نور در قلب من میدرخشد -
شبه بنور آسمانی -

مانند پلک بچه خوشحال که در جاده باریکی -
همراه با جریان جویبار از قلله کوه سرازیر میشود
و به زمزمه آن سرگرم و شادان است -
چقدر طول دارد

هناطور جوانی ما میگردد
کسی مستی، کسی خنده و شادمانی -
پشت سر آن برگشت از اوج احلام و خیالات -
سپس آسان صبر، تیره گشته -
و دیگر تبسم ستارگان دیده نمیشود -
این است عاقبت حزن آور -
من مرگ را آرزو میکنم -
قبل از اینکه پیر شوم -

از این لحاظ جدیت دبیران و آموزگاران
و کارمندان اداری مراتب سپاسگذاری خود
را از این حسن انتخاب به حضرت دانش پرور
عالی معروض و انتظار دارند فرهنگ کشور
با داشتن این گونه خدمتگزاران واقعی به
ترقیات بیشتری نایل گردد .

بامضای ۳ لفر از کارمندان فرهنگ
کوهستان - بهیسی است یکی از
وظایف ما این است که از کارمندان صدیق
و خدمتگدار قدر دانی نابینیم - تلگراف فوق
که از طرف دبیران و آموزگاران و -
کارمندان اداری فرهنگ کردستان مغایره
شده از هم آهنگی و صببیت آقایان حکایت
میکند ولی ما بسیار مایل بودیم که نتیجه
این هم آهنگی و قدر دانی عملا انعکاس
موتری می یابد و اثراتی که در اوضاع
مدارس بوجود آورده بهتر مشهود می -
بود .

بنا بر این برای روشن شدن موضوع
از خود آقای رئیس فرهنگ با اداره
فرهنگ و یابکی از معلمین بنظر تقاضا
داریم اقدامات مدت ماموریت ایشان را
برای ما مرقوم دارند تا ما هم بنویس خود به
معرض افکار عامه قرار داده و جدا پاداش
خدمات ایشان و همکاری شان را از وزارت
فرهنگ خواستار شویم -

از سنندج

آقای بریلانی پلک قطعه شعر که
سراینده آن آقای مهر آذر میباشد و
بنام سبب تعاببات اقصین های ولایتی سروده
شده بود برای ما ارسال داشته اند متأسفانه
پست دیر رسیدن چاپ آن مقدور نشد .

از سنندج

آقای محمد امین اسدی مقدم مینویسند:
با وجود اینکه دارای هیچگونه سابقه و -
نیست از وقایع شهر بوری بیست چون اسلحه ای
در دست نداشتیم و امین الاسلام اسدی
سفر ما من سابقه هدایت داشت به طبع
ملکم افتاد و بتحریر او اشرار ملکم
را که فریه کسی نران است حسب و اشغال
نوده شکایات متعدد کردم بر اثر آن
دستور رسیدگی به تیب سفر داده چون
رئیس ستاد تیب سفر در آن موقع نا امین
الاسلام دوستی داشت بجای رسیدگی مرا
بزدان افکنده تا مدعی بنده بتواند از
موقع استفاده کرده ملکم را تصرف
کند .

پس از سه ماه و نیم زندانی بودن
برای تعیب شکایات خود مجدداً به سفر
رفتم مدار کی کانی بامضای خود امین الاسلام
در دست دارم که صحت اظهاراتم را بیان
میکند ولی افسوس کسی رسیدگی
نمیکند .

کوهستان - از فرماندهی لشکر
کردستان و مقامات دادگشتری ملاحظه دار
سفر و ستندج انتظار داریم در رسیدگی
بشکایات آقای محمد امین اسدی مقدم
مالک کس نران اقدام فرمایند .

کوهستان

از شهرزه سفری

پند و امثال کردی منظوم

قور به سراوه که وا پشت وده ست

له خزمی برداو به بیگانه بست

قور به سراوه که چوله گهل او

زیخی هیشته وه بکه ویته چاو

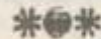
که خوت له قور ای هتاکو ازنو

من که گیرم خوارد چون دردم به تو

من دل خوش ناکه به مرگی دوزمن

روزیکیش نه بی یته لوره ی هم

دفتگران تهران - بینوایان کردستان



برف زیادی باریده بود و شیابان های تهران از آن مسلو شده بود. هیور و مرور مشکل و شهرداری بوسایل مختلفه مشغول پاک کردن شیابان ها شده بود. سر باز و دفتگر و عله باجدیت مشغول بودند. اعلیحضرت شاه از دفتگران برزن که در کار خود جدیت بیخرج داده بودند تشویق فرموده ده هزار ریال انعام مرحمت داشته بودند.

وقتی که خبر انعام را در یکی از روزنامه ها خواندم بسی اشتیاق قدری محبت کردم و در فکر فرورفتن محبت و تفکر من نه از این جهت بود که چرا از این پول نصیبی نداشته ام و با چرا اعلیحضرت شاه این انعام را بر دفتگران برزن اعطا فرموده اند بلکه از آن جهت در دریای فکر فرورفتن که با وجود علاقه اعلیحضرت شاه بکمک بستنیندان و کمک با امور خیریه چرا تا حال از میان این همه بل و بخشش که نسبت به اغلب شهرستان ها فرموده و کمک مالی که به دستگاه های خیریه و برای بهداشت و غیره نموده اند کسی نبوده که توسع مردم فلک زده کردستان را برض برساند و توجه اعلیحضرت شاه را باین ناحیه نیز جلب نماید.

هرچه فکر کردم علت اساسی جز فراموشی و اعمال آن-هائی که بدرگاه شاه راه دارند لیکن سرمای شدید یکسریه مرا بخود آورد و بنگر سرمای شدید و برف کردستان اقدام و منظره وقت بار بینوایانی که بنام شب محتاج و برای پناه دادن خود از سرما ملجایی ندارند از انظر گذشت گفتم چه خوب است بنام یادآوری چند سطر در روزنامه بنویسم تا شاید آن هائی سکه باید این مطالب را برض شاه برساند متوجه گردند و برای این رها پای بیچاره ایران هم از ذات شاهانه نفاذای عطف توجه و جوهر بکنند

جای اداره: خیابان پهلوی شماره تلفن: ۴۹ - ۸۵

تلفن ۴۷۸۷

چاپخانه کشاورزی

آقای مدیر محترم روزنامه کوهستان

عطف بقاله بانو پوران رهبر منتشره در شماره گذشته کوهستان را جمع بیه داشت در آموزشگاه های کردستان برای اطلاع جناب عالی و خوانندگان محترم عرض می رساند که بنا به اقدم و جدیت آقای حبیبی رئیس فرهنگ و آقای دکتر هاشم وکیل که یکی از جوانان لایق و تحصیل کرده کردستان هستند در هفته دوروزه تمام آموزشگاه های سندج سرکشی بوده و اقدامات لازم را بعمل می آورند که شایسته تقدیر و تحسین است.

آقای مدیر محترم روزنامه کوهستان

عطف به مندرجات شماره ۴۹ - ۲۱/۱۰/۱۷ آن نامه ملی در مورد رئیس دادگاه نظامی شدن سرهنگ میر فندرسکی این موضوع بنا به پیشنهاد وزارت جنگ و موافقت این اداره وده بنا بر این چنانچه شاکتی نسبت به دستور قرار و موافقت دادگاه شاکتی دارد خواهشمند است مشارالیه را بیدادوسی ارتش هدایت فرمایند.

آقای مدیر محترم روزنامه کوهستان

عطف بمنتهات شماره ۴۴-۱۱/۸-۲۴ آن نامه ملی در مورد خواست آقای سید حبیب الله ایلچی دستورات لازمه به هنگ مستقل ژاندارمری کرمانشاه صادر گردید.

از شاه آباد غرب

برای اطلاع اداره کل ژاندارمری پس از بهم خوردن اوضاع بیست ساله و کوتاه شدن دست مامورین املاک از سر مردم بغد توید میدادیم که تنبیری حاصل شده و مردم روی راحتی خواهند دید ولی آنسوس که بجای آن ها مامورین ژاندارمری بجان مردم اناده اند، حق و حساب سوزسان و بره کش همان است که بوده و یک تفت مردم شنیده کلهر دو زیر بار ظلم و ستم این دسته مامورین جان میدهند.

پس از توفیق ستوان مهاجر افسر ژاندارمری هنگ کرمانشاه از دست ژاندارمری شاه آباد غرب گذیم خوب است بکنفر مامور صالح بجای او خواهند فرستاد ولی بالمسک استوار دوم احمدی آمد و آتش رشو خودی را شعله و ساخت مشارالیه بیکت ژاندرم گرسه را بجان مردم انداخته و در این زمستان که رعایا برای نان بومه خودم محتاجند از دست ژاندارمها روزگار سیاهی دارند و بنام این منخله آنها را شکنجه و آزار میدهند از ریاست کل تشکیلات ژاندارمری

از سندج

آقای مدیر محترم روزنامه کوهستان چون ساعات آن جریده فریبه را وقت اصلاحات حوزه کردستان بیدانم تنها دارم موضوع زیر را مورد توجه قرار دهید.

بظوریکه استحضار دارید مراکز قروه - مریوان و دیواندره هر سه از لحاظ شهریت و کثرت نفوس و استنداد عمل میثراستند دارای یک شهرداری با هوای نسبتاً مکنر باشند چون شعباً به جریان و اوضاع ۳ محل مزبور کاملاً وارد اطمینان میدهم که ناشکیله شهرداری در سه محل نامبرده کمک بزرگی بیه داشت و هران محلهای مزبور خواهد بود. عوارضی که میتوان بدون زحمت و تحصیل برای محل های مزبور وضع و وصول نمود رو چهرت شرح ذیل پیش بینی میشود.

۱- قروه سالیانه ۱۲۰/۰۰۰ ریال

۲- دیواندره ۱۰۰/۰۰۰

۳- مریوان ۸۵/۰۰۰

شنا امور اداری شهرداری های نامبرده را بعهده اران محل و امور حسداری و نویسنده گی و نیز نویسنده کن به شهرداری انجام خواهند داد اجبار مزبور اختصاص باستنداد رفنگرونیبه چراغ خواهد داشت و بنظور جلوگیری از بیکاری هم در هر کدام از محلهای بالا میتوان چند نفر را بکار و گذارد و زندگانی آنها را تامین نمود.

خواهشمند است لزوم تاسیس شهرداری ها را در این موقع که جناب آقای شکوه مدیر کل شهرداری های کشور جناب آقای حسن ملک آراه فرماندار محترم کردستان هستند و باصلاح امور نهایت علاقه را دارند در آن جریده درج توجه اولیای امور را بموضوع مزبور جلب نماید.

سیدعلی پشادامامان شهرداری سندج کوهستان - ما اصولاً با هر نظر اصلاحی موافقیم ولی راجع به پیشنهاد فوق منتهدم وقتی میتوان با آن موافقت داشت که اتلا شهرداری سندج سر و صورتی داشته باشد و مردم درهیل بیبته سکه وجود سازمان شهرداری بحال ساکنین شهر مفید است آنوقت بنام ادامه اصلاحات به قروه و دیواندره و مریوان بپردازیم ولی دو حال کنونی که علا میبینم نمیتوانه با سازمان چندین ساله با بودجه و اعتبار نسیه کالی شهرداری شهر سندج را که مرکز کردستان است اداره کنند این شهر در ظلمت و گمراهی و کذات غوطه و در است پایه امددی میتوان پیشنهاد کرد که درجا های دیگر هم همین قانون عدم رضایت و عدم بیداشت را تحسین نمایند.

تقاضا میشود که بهنگ ژاندارمری کرمان شاه دستور فرمایند بکنگر درجه دار مصالح را بجای استوار نامبرده اعزام و اهالی را از وجود این شخص راحت کنند

نماینده نامه کوهستان - پدافترضالی کلهر